

به نام خدا

# تأثیر داستانهای فلسفی بر روحیه پژوهشگری دانش آموزان ابتدایی

مؤلف:

الهام مصطفی زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : مصطفی زاده، الهام، ۱۳۶۷  
عنوان و نام پدیدآور : تاثیر داستانهای فلسفی بر روحیه پژوهشگری دانش آموزان ابتدایی / مولف الهام مصطفی زاده.  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۸۶-۳  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : دانش آموزان ابتدایی - داستانهای فلسفی - روحیه پژوهشگری  
رده بندی کنگره : GV۳۷۴  
رده بندی دیویی : ۳۷۲/۹۷  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۶۲۱۵۳  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : تاثیر داستانهای فلسفی بر روحیه پژوهشگری دانش آموزان ابتدایی

مولف : الهام مصطفی زاده

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۳

چاپ : زیرجد

قیمت : ۸۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۸۶-۳

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

فصل اول: کلیات	۷
مقدمه	۷
بیان مسأله	۹
فصل دوم: ادبیات نظری	۱۹
مقدمه	۱۹
مبانی نظری	۱۹
داستانهای فلسفی	۱۹
فلسفه برای کودکان	۲۳
داستانهای فلسفی به کودکان در زبان فارسی	۲۹
اصل دوم: تفکر خودآگاهانه	۳۳
اصل سوم، تعلیم و تربیت چون فرایند پژوهش	۳۴
اصل چهارم: کلاس درسی چون اجتماع پژوهشی	۳۷
مبانی نظری یادگیری خودراهبر	۴۰
سبک یادگیری	۴۲
یادگیری خود راهبر	۴۵

۴۶	ویژگی‌های افراد خود راهبر.....
۴۸	ابعاد یادگیری خود راهبر.....
۴۸	الگوی چهاربعدي كندی.....
۴۹	الگوی مسئولیت شخصی محور ( بروکت وهی‌مسترا) ( PRO).....
۵۰	الگوی سه‌بعدي گاریسون.....
۵۱	الگویی مفهومی برای درک یادگیری خود راهبر در محیط‌های برخت.....
۵۲	فرایندهای یادگیری خود راهبر در زمینه برخت.....
۵۲	برنامه‌ریزی.....
۵۳	نظارت.....
۵۴	ارزشیابی.....
۵۵	جمع بندی فصل.....
۵۷	منابع.....

تقدیم به

روان پاک پدر و مادرم

که مرا درس عشق و دوستی اهل بیت آموختند.

و

دخترم کیژان به پاس همه مرارت ها و حمایت ها

و

خودم که برای خودم ساختم

## سپاسگزاری

حمد و سپاس فراوان ایزد یکتا را که به ما هستی بخشید؛ و نور هدایت به سوی سعادت را توسط پیامبران گسترش داد و افتخار آشنایی با انوار هدایت بخش خویش را به ما عطا فرمود. سلام و درود می فرستیم بر پیامبر خاتم و دودمان مطهرش که هدایتگر ما به سوی نور و روشنایی هستند.

بر خود لازم می دانم که از زحمات تمام اساتید بزرگوار در طول دوران تحصیلم، مخصوصا سرکار خانم دکتر «لیلا محمدمین زاده» که با صبوری و جدیت فراوان راهنمایی بنده را در این پژوهش پذیرفتند تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از خانواده ام که با صبر و شکیبایی و همدلی یاریم کردند و همه عزیزانی که به هر نحو در به انجام رسیدن این پایان نامه نقش داشتند، تقدیر و تشکر می نمایم و از خداوند متعال برای همه این عزیزان بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی مسئلت می نمایم.



## فصل اول:

### کلیات

#### مقدمه

آموزش فلسفه به کودکان یکی از رویکردهای نوین در تعلیم و تربیت است که به دلیل تأثیرات گسترده‌اش بر توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است. یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، استفاده از داستان‌های فلسفی است که به طور خاص برای تحریک تفکر انتقادی و خلاقانه طراحی شده‌اند. داستان‌های فلسفی، با فراهم آوردن فضایی برای پرسش‌گری و کاوش عمیق، می‌توانند به شکل‌دهی و تقویت روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان کمک کنند و آنها را به یادگیری خودراهبر و مستقل سوق دهند.

روحیه پژوهشگری، به معنای تمایل به کاوش، پرسش و تحقیق در مسائل مختلف، از ویژگی‌های کلیدی است که در یادگیری مؤثر و پایدار نقش دارد. این ویژگی نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از موضوعات مختلف دست یابند، بلکه آنها را قادر می‌سازد تا با چالش‌های

جدید به طور خلاقانه و مؤثر مواجه شوند. در این راستا، داستان‌های فلسفی با ارائه سناریوهای جذاب و سوال‌برانگیز، فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورند تا با تفکر انتقادی و پرسش‌گری در زمینه‌های مختلف روبه‌رو شوند و در فرآیند یادگیری، به کشف و تحلیل مسائل بپردازند.

یادگیری خودراهنبر به معنای توانایی فرد در مدیریت و هدایت فرآیند یادگیری خود، از دیگر جنبه‌های مهم آموزشی است که در دنیای معاصر اهمیت زیادی دارد. در این نوع یادگیری، دانش‌آموزان به جای صرفاً دریافت اطلاعات از معلم، به کشف و جستجو برای پاسخ‌ها و حل مسائل می‌پردازند. داستان‌های فلسفی با ایجاد محیطی حمایتی و تحریک‌آمیز، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا مهارت‌های خودراهنبری را توسعه دهند و از فرآیند یادگیری لذت ببرند.

اهمیت این موضوع در این است که ایجاد روحیه پژوهشگری و تقویت یادگیری خودراهنبر، نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی کمک می‌کند، بلکه پایه‌های اصلی برای موفقیت در زندگی آینده و سازگاری با چالش‌های جدید را نیز فراهم می‌آورد. با توجه به تحولات سریع و پیچیده دنیای امروزی، مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی مدیریت یادگیری شخصی، به عنوان کلیدهای موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی شناخته می‌شوند. لذا، پژوهش در زمینه تأثیر داستان‌های فلسفی بر این مهارت‌ها می‌تواند گام



مهمی در جهت ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش باشد و به توسعه روش‌های آموزشی نوین و مؤثر کمک کند.

### بیان مسأله

بسیاری از متفکران بر این عقیده‌اند که فلسفه برای کودکان برنامه‌ای برای پرورش مهارت‌های تفکر و خلاقیت در کودکان برای درک مسائل فلسفی است. (قاصدی، ۱۳۹۹). فلسفه برای کودک یکی از برنامه‌های آموزشی است که کودکان و نوجوانان را قادر می‌سازد تا افکار پیچیده خود را تدوین کنند و با این شیوه استدلال، پرسش‌ها و خلاقیت و تعهد آن‌ها افزایش می‌یابد. (آکورینی، ۲۰۱۵) روحیه پرسشگری برای تحریک و هدایت قدرت تفکر بسیار مفید است. افراد از چهارسالگی می‌توانند سؤال بپرسند و نحوه برخورد آن‌ها با سؤالات کودک تأثیر بسزایی در شخصیت و آینده آن‌ها دارد. (منصور نژاد، ۱۳۹۵)

کنجکاوی ناشی از نیاز کودک به دانستن است. کودک هر چه بیشتر سؤال بپرسد سالم‌تر و باهوش‌تر است. کودک ناخودآگاه احساس می‌کند که هر شیء ناشناخته‌ای می‌تواند خطرناک باشد و تنها زمانی احساس امنیت می‌کند که آن را به‌درستی بداند. ظهور این افکار در کودکان تصادفی نیست. نیازمند آموزش و ایجاد شرایط مساعد برای پرورش این نوع تفکر است. به‌عبارت‌دیگر،

اگر قرار است کودک باهوش و منتقدی پرورش یابد، قدرت فکری او را نباید به شانس واگذار کرد. (فیشر، ۱۳۹۵).

رعایت جنبه پرسشگری، آشنا ساختن ذهن کودک با پرسش های فلسفی و بحث در مورد آن، آغاز تفکر کودکان است. توجه به بعد پرسش گری درگیر کردن ذهن آنان با پرسش های فلسفی و بحث و گفت و گو درباره ی آنها، نقطه ی آغاز راه اندازی تفکر در کودکان است.

طرح مسئله و بحث در مورد داستان روشی است که برای پاسخگویی به سؤالات کودکان در برنامه فلسفه انتخاب شده است. در این برنامه باراهنمایی معلم داستانی به کودکان ارائه می شود. کودکان به سؤالات خود در مورد داستان پاسخ می دهند. و در مورد مسئله مطرح شده، بحث و گفتگو می کنند. (کم، ۱۳۹۸) گفتگوهای فلسفی اغلب بر پایه روش سقراطی می باشد، بنابراین، توجه به فلسفه به معنایی که طرفداران آموزش فلسفه به کودکان اقتباس کرده اند، نمونه ای از رویکرد پژوهشی در تربیت است. (مرعشی، صفایی مقدم، پاک سرشت باقری، سیاسی، ۱۳۹۵).

روحیه پرسشگری شامل اجزایی مانند کنجکاوی، پشتکار، کنترل تکانه و توانایی کار در یک تیم است. کنجکاوی: میل به دانستن، پرسیدن سؤال و ابتکار عمل برای حل و کشف مشکلات. پشتکار یعنی به خوبی انجام دادن کار، یعنی با دقت از روشی پیروی کنید که درخور توجه باشد. کنترل تکانه: عمل

یا رفتاری است که بدون فکر، کنترل یا جهت آگاهانه پس از یک محرک فعال می‌شود. توانایی کار گروهی: دانش‌آموزی که روحیه پرسشگری دارد، گوش دادن به نظرات دیگران را می‌آموزد، مطالعه می‌کند و بر اساس تفکر آگاهانه آنها را می‌پذیرد یا رد می‌کند و از به اشتراک گذاشتن دانش خود با دیگران استقبال می‌کند. (شیرزاد، ۱۳۹۳)

پژوهشگری تحت تأثیر دو بعد شناختی و عاطفی است. در بعد شناختی باید توانایی خلاقیت، حل مسئله، تفکر انتقادی را بیش از قدرت حافظه و به خاطر سپاری دانش‌ها و اطلاعات بارور نماییم و در بعد عاطفی باید طوری محیط، به‌ویژه محیط آموزشی را تدارک دهیم که رغبت و انگیزه برای پژوهشگر را بیش از حجیم نمودن حافظه افزایش یابد (ابوالحسینی، ۱۳۹۶)

یک از عوامل مهم عدم تمایل به پژوهش و روش علم، عدم وجود روحیه‌ی علمی است؛ چراکه بهره‌مندی از روحیه علمی در زمره کلیدی‌ترین ویژگی‌های یک انسان تلقی می‌شود (شیرزاد، مه‌رام و کارشکی، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در گذشته حدود ۹۳ درصد از سؤال‌های معلمان سطح پایین و از نوع دانش‌محور بوده است که بیشتر بر یادآوری حقایق تأکید داشتند. از این گذشته بررسی‌ها نشان می‌دهد معلمان به‌طور معمول

سؤال های اندکی مطرح می سازند که دانش آموزان را به استفاده از مهارت های تفکر سطح بالا ترغیب کنند (دام و ولمان ۱، ۲۰۱۴)

مسئله دیگر که توجه بسیاری را به خود جلب نموده است، یادگیری خودراهبر است. یادگیری خودراهبری به یکی از اهداف اصلی آموزش در چند دهه گذشته تبدیل شده است (عینی و همکاران ۱۳۹۸ به نقل از چانگ، کیو، لین و لی هسیه، ۲۰۱۰) یادگیری خودراهبر اساس همه اشکال است. یادگیری (عینی و همکاران ۱۳۹۸ به نقل از ویلیامسون، ۲۰۰۷) یادگیری خودراهبر مربوط به دانش آموزانی است که می توانند اشتیاق نشان دهند و اقدامات خود را برای اتصال زندگی و آموزش هماهنگ کنند و مسئولیت پذیر باشند. (کریس - ماری وان زیل و شارلین د-تیت بریتز، ۲۰۱۷)

مفهوم خود مدیریتی برخاسته از آموزش بزرگسالان است. به دلیل مزایای مرتبط با نتایج یادگیری خودراهبر، محیط های آموزشی و سازمانی به شدت بر اهمیت و ارزش آن به عنوان یک مهارت ضروری برای آموزش و کار در قرن بیست و یکم تأکید می کنند. (گردان شکن ۱۳۹۹، به نقل از فیشر کینگ و تاگو ۲۰۱۰).

یادگیری خودراهبر شامل افراد، شناسایی نیازهای یادگیری فردی، شناسایی اهداف مطالعه، شناسایی منابع و مواد مورد نیاز برای یادگیری، انتخاب و

اجرای راهبردهای یادگیری مناسب، و شناسایی آنها به‌عنوان فرآیندی برای ارزیابی نتایج یادگیری شخصی، با یا بدون کمک دیگران است تا با این کار ابتکار عمل را به دست بگیرید (یوسفی و همکاران ۱۳۹۹، به نقل از نولز، ۱۹۷۵)

این تعریف دو بعد دارد. اولاً یادگیری خودراهبر به‌عنوان یک فرآیند یا روش آموزشی و ثانیاً مسئولیت‌پذیری به‌عنوان مؤلفه و نتیجه اساسی یادگیری خودراهبر. یادگیری خودراهبری فرآیندی است که در آن دانش‌آموزان مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند و مستقل از دیگران برای دستیابی به اهداف یادگیری از پیش تعیین‌شده کار می‌کنند. هدف یادگیری خودراهبری نه تنها شکل‌گیری دانش موضوعی خاص، بلکه توانایی انتقال دانش مفهومی به موقعیت‌های جدید است.

نادی (۱۳۹۴) با استناد به هاوس (۱۹۹۶) و گریسون (۱۹۹۷) خود راهبری را به‌عنوان خود مدیریتی زمینه مدیریت از جمله محیط اجتماعی، منابع و کارکردها و خودارزیابی تعریف می‌کنند که به یادگیرندگان کمک می‌کند تا راهبردهای شناختی، ارزشیابی و بررسی و مرور را تنظیم کنند. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه یاد بگیرند، و یادگیری یک ذهنیت کل‌نگر است که شامل فراشناخت شخصی، مهارت‌های تفکر خودتنظیمی، عزت‌نفس و خودکارآمدی است. (کریس ماری وان زیل و شارلین -د- تیت بریتز ۲۰۱۷)

نکته اصلی این است که تحقیق و یادگیری مستقل نیاز به آموزش دارد، زیرا تحقیق و یادگیری در واقع تکنیک هستند، روش های مختلفی دارند و فقط با آموزش قابل استفاده هستند. (کانکلین ۱، ۲۰۲۰)

تحقیقات زیادی بر آموزش مفاهیم فلسفی متمرکز شده است. به طور کلی، زندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که بتوانند بر اساس افکار و عقاید خود بر مشکلات پیرامون خود غلبه کنند و سپس اطلاعات لازم برای زندگی خود را به صورت شفاف و کارآمد جمع آوری و ادغام کنند و عاقلانه از آن استفاده کنند. ارزیابی کنید و از کارهای غیرممکن اجتناب کنید. در واقع افراد برای مقابله با مشکلات زندگی و تصمیم گیری اساسی به مهارت ها و توانایی های تفکر فلسفی نیاز دارند. (رمضانی، ۱۳۹۱)

در سال ۱۹۶۹ لیپمن با ارائه طرح «آموزش فلسفه به کودکان» پارادایمی جدید را در آموزش و پرورش مطرح نمود. وی معتقد است که اهداف برنامه فلسفه برای کودکان عبارت است از بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، پرورش درک اخلاقی، پرورش تفکر انتقادی، پرورش ارزش های هنری، پرورش شهروندی، رشد فردی و میان فردی و پرورش یافتن معنا در تجربه (ایمان نژاد، ۱۳۹۸)

یکی از برنامه‌هایی که به روش گفت‌وگومحور با هدف تقویت و افزایش مهارت‌های استدلالی دانش‌آموزان و توانایی قضاوت اتخاذشده است (اکبری و مسعودی، ۱۳۹۳)، برنامه فلسفه کودک است.

این پروژه جدیدترین و بزرگ‌ترین گام برای کارآمد کردن فلسفه برای کودکان و آموزش تفکر انتقادی، حاصل ایده‌های متیو لیپمن است. در واقع این برنامه مصداق بارز کاربرد فلسفه در تعلیم و تربیت است و هدف آن با سایر برنامه‌های کاربردی فلسفه متفاوت است. (فتحی و احقر، ۱۳۹۷)

فلسفه برای کودکان اکنون با گذشت بیش از نیم‌قرن از طرح آن توسط لیپمن، اکنون می‌تواند جایگاهی در مدل‌ها و رویکردهای علمی و عملی به آموزش پیدا کند و بلافاصله در ایران و بسیاری از کشورها مورد استقبال قرار گرفت. مهم‌تر از همه، تفکر کودکان باید از نظر فلسفی به‌عنوان یک رشته تحصیلی پذیرفته شده در سطح تحصیلات تکمیلی توسعه یابد. (هدایتی، ۱۳۹۷).

امروزه برنامه فلسفه برای کودکان در بسیاری از کشورها رایج شده و برای اجرای آن کتاب‌های داستانی ویژه‌ی کودکان تألیف شده است چراکه داستان، محرکی برای تفکر، پرسش و تفکر نقادانه برای کودکان است. داستان می‌تواند بر آموزش چگونگی درک حقیقت، شیوه‌ی درست زندگی و قضاوت‌های صحیح اخلاقی مؤثر باشد. مهارت‌های متنوعی در ذیل داستان‌ها به کودکان